

# تحلیل دلالت‌های آوایی فواصل آیات بهشت و جهنم<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۳)

فاطمه فیرورقی<sup>۲</sup>

دکتر حسین خانی کلکای<sup>۳</sup>

## چکیده

تحلیل دلالت‌های آوایی از جمله سطوح دانش سبک‌شناسی است که با عنوان سطح آوایی، اولین سطح از بررسی هر زبان را به خود اختصاص می‌دهد. این جنبه از سبک‌شناسی ارزش‌اندیشه و احساسات بیانی اثر را مشخص می‌سازد و با تداوم این کار می‌توان به سبک‌گوینده دست یافت. گفتار حاضر بر آن است تا آیات موضوعی و لفظی بهشت و جهنم را از حیث دلالت آوایی فواصل آن‌ها مورد تحلیل قرار دهد و به این موضوع بپردازد که حروف مختلف در فواصل آیات بهشت و جهنم چه کارکردهایی دارند و دلالت‌های آوایی آن‌ها تا چه اندازه با مفاهیم بهشت و جهنم تناسب دارد.

این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی، فواصل مختوم به حروف نون، میم، الف مدی، راء، دال و هاء را در آیات بهشت و جهنم بررسی می‌نماید. دلالت‌های آوایی حروف مذکور در آیات بهشتی به ترتیب بر روشنی، صمیمیت، عظمت رحمت خدا، لطافت و استقرار نعمت‌ها و ابهام در ماهیت بهشت و در آیات جهنم به اضطراب، مجموع عذاب‌های سخت، اهتزاز، تکرار شراره‌های آتش، شدت عذاب‌ها و ابهام در ماهیت جهنم اختصاص دارد.

**واژگان کلیدی:** فاصله، دلالت‌های آوایی، آیات بهشت و جهنم

## ۱- مقدمه

در نغمه‌های موسیقی قرآن، گوناگونی صدا، مد، طنین و نرمی و شدت و حرکت‌های مختلفی که همراهش می‌شود و همچنین زیر و بم و لرزش صدا که در زبان موسیقی، آن را «بلاغت صدا» می‌نامند، باعث نشاط و آرامش روح می‌شود. همین جنبه برانگیزاننده

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «سبک‌شناسی تطبیقی آیات بهشت و جهنم در قرآن کریم» متعلق به دانشکده علوم قرآنی خوی است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی خوی، (نویسنده مسئول) [f\\_firooraghi@yahoo.com](mailto:f_firooraghi@yahoo.com)

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، [khani.kalgay@gmail.com](mailto:khani.kalgay@gmail.com)

احساسات آدمی توسط طنین قرآن است که راز تشویق به تلاوت قرآن با صدای بلند را روشن می‌سازد. (سلمان پور، ۱۳۹۵: ۳۶) نظم آهنگ واژگان قرآن، نغمه‌ای دلکش و طینینی دلپذیر پدید می‌آورد؛ نوایی که احساسات آدمی را برمی‌انگیزد و دل‌ها را شیفته خود می‌کند. این نوا برای هر مخاطبی، به ویژه برای مخاطب عرب‌زبان، محسوس است. اگر کسی برای چندمین بار به یک شعر گوش کند، لحن و آهنگ کلام برای او تکراری و ملالت‌بار می‌شود، اما به هنگام شنیدن آواهای گوناگون، همگام، هماهنگ و تجدیدشونده قرآن، که اسباب و فواصل آن پی‌درپی جای خود را عوض می‌کنند و هر کدام گوشه‌ای از قلب را به نوازش وای دارند، نه تنها خسته و آزرده نمی‌شود، بلکه عطش انسان برای شنیدن همواره فزونی می‌گیرد. (همان: ۳۲) فواصل آیات نقش موثری در حفظ آهنگ کلی آیه و تداعی مفاهیم در ذهن مخاطب دارد. به طوری که اگر حتی یک حرف از کلمات آن جابجا شود، نظم آهنگ آیات به هم می‌خورد، اما نباید فراموش کرد که کارکرد فاصله در قرآن تنها به حفظ موسیقی و نظم آهنگ آیات نیست؛ بلکه تغییراتی را ایجاد می‌کند تا برخی ترکیب‌ها را از حالت عادی خارج کند؛ از جمله تقدیم و تاخیر، افزایش حرف به خاطر رعایت فاصله، حذف حرف عله، تقدیم معمول بر عامل، حذف کاف ضمیر و ... که همه این موارد به تفسیر رمانی از بلاغت و حکمت برمی‌خیزد؛ چون راهی برای الهام معانی است که در بهترین صورت بدان نیازمند است. (سیدی، ۱۳۹۰: ۲۹۰-۲۹۳)

بررسی دلالت‌های آوایی فواصل قرآن کریم که در علمی به نام سبک‌شناسی دنبال می‌شود، اهمیت ویژه‌ای در دریافت مفهوم کلی آیات از طریق القای مفهوم با استفاده از آوا دارد. آنچه در این جستار مورد بررسی قرار گرفته است، فواصل آیات بهشت و جهنم به عنوان موضوع مهمی از آیات قرآن است که به طور تقریبی ۲۰ درصد از کل آیات قرآن را تشکیل می‌دهد. این تقریب طبق آمار پایگاه جامع قرآنی نور مطرح می‌شود: مجموع کل آیات بهشتی و جهنمی در قرآن کریم ۱۲۳۷ آیه است؛ ۴۵۲ آیه بهشتی شامل موضوعاتی همچون صحنه‌های زیبای بهشت و حالت‌های بهشتیان و ... و ۷۸۵ آیه جهنمی شامل موضوعاتی همچون صحنه‌های دردناک عذاب جهنم و حالت‌های جهنمیان و ... است. (<https://quran.inoor.ir/fa/subject>) مجموعه فوق شامل تمام آیات معنایی و لفظی در هر موضوع است. با توجه به این نکته که تعداد آیات مذکور برای بررسی در این تحقیق بسیار زیاد است، آیاتی را به عنوان نمونه از مجموعه آیات لفظی انتخاب نموده‌ایم.

در این آیات گاه وصف بهشت و جهنم، گاه وصف بهشتیان و جهنمیان، عوامل بهشتی و جهنمی شدن و ... بیان شده است. این موضوعات با توجه به اینکه جزو ایمان به غیب می‌باشند و بشر در دنیا به صورت ملموس به آن‌ها دسترسی ندارد، موضوع خوبی برای تحلیل آوایی می‌تواند باشد؛ از این جهت که در مسائل ملموس، انسان تا حدودی به ویژگی‌ها آگاهی دارد، اما در مورد مسائلی که به غیب مربوط می‌شوند، درک و فهمی که

انسان از آوای آیات به دست می‌آورد، با توجه کمتری به پیش فرض‌ها و بیشتر از طریق القای معانی است.

این جستار به دنبال پاسخ این پرسش است که حروف مختلف در فواصل آیات بهشت و جهنم چه کارکردهایی دارند؟ و دلالت‌های مختلف آوایی در فواصل حروف، چقدر با مفاهیم بهشت و جهنم تناسب دارد؟

دستیابی به پاسخ مسأله‌های فوق از طریق روش تحلیلی توصیفی صورت گرفته است. در مورد آیات بهشت و جهنم تاکنون هیچ گونه تحقیقی که با موضوع فوق مرتبط باشد، انجام نشده است، اما پژوهش‌های دیگری در این زمینه به سامان رسیده است؛ برای نمونه مقاله «بررسی سبک‌شناسانه دلالت‌های آوایی و نحوی زیارت‌نامه اربعین» اثر محمود شهبازی و فاطمه ورمزیادی، مقاله «تحلیل کارکرد ساخت آوایی سوره محمد (ص) در القای معنا» اثر منیر زیبایی و سید حسین سیدی، مقاله «تعیین الگوی آوایی فواصل قرآنی بر اساس مشخصه‌های تمایزدهنده واجی» از فرزانه تاج‌آبادی و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا از این دست است. در رابطه با فواصل قرآن نیز بحث‌های گسترده‌ای در کتاب‌های *الفاصله فی القرآن* اثر محمد الحسن‌ناوی، *فواصل الآیات القرآنیة* اثر کمال‌الدین عبدالغنی المرسی، *دراسات فی علم الفواصل* اثر شیخ حمدی عزت عبدالحافظ و *الحقائق المکمله فی بیان إعجاز فواصل الآیات المنزله* اثر سعید و عزوز انجام شده است.

## ۲- فاصله

تعریفی که عالمان عربی از فاصله بیان کرده‌اند، کما بیش شبیه به هم و در عین حال متفاوت است؛ برای مثال باقلانی همانند رمانی فاصله را حروف متشاکل در مقاطع می‌داند که فهم معانی به وسیله آن‌ها صورت می‌گیرد. (باقلانی، ۱۹۶۳: ۲۷۰) اما ابن منظور فاصله را همان اواخر آیات در کتاب خداوند می‌داند که به منزله قافیه در شعر می‌باشند و مفرد آن فاصله است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱، ۵۲۱) زرکشی نیز آن را همانند قافیه در شعر و قرینه در سجع می‌نامد. (زرکشی، ۱۳۷۶: ۵۳)

موارد مشترک تعاریف فوق عبارت‌اند از: جایگاه فاصله در آخر آیات، همسانی در حروف و مقاطع، نقش در زیباسازی معانی و آرام‌بخشی به کلام، مقایسه با قافیه یا سجع. (حسن‌ناوی، ۲۰۰۰: ۲۹) در هر حال «فاصله، حروف یا کلمه پایان آیات است. (مثل قافیه در شعر و سجع در نثر) که به وسیله آن می‌توان به دلالت مضمونی آیه و هماهنگی و هم‌نوایی صوتی مقاطع پی‌برد و نیز معنا با آن پایان می‌پذیرد و تجدید نفس صورت می‌گیرد.» (میسه، ۲۰۱۲: ۲۹-۳۲؛ مرسی، ۱۹۹۹: ۹-۱۴) اشکال مختلف فاصله در آیات قرآن، عبارت از حروف، اسم و فعل یا جمله است. (میسه، ۲۰۱۲: ۳۲) و بر اساس حروف روی، وزن و اطلاق و تقیید و ... تقسیم‌بندی می‌شود.



می‌کردند. قرآن نیز چون در این عصر نازل شده است، به گونه‌ای غنی‌تر و شایسته‌تر از این شیوه بهره برده است تا به نحوی مؤثر بر مخاطب اولیه خود و سپس بر سایر مخاطبان اثر بگذارد. (همان: ۳۶)

نون صدایی مجهور و متوسط، بین شدت و رخوت است. در تلفظ آن هوا از شش‌ها می‌گذرد و تارهای صوتی را به ارتعاش در می‌آورد. بعد از ورود به حلق، نرم‌کام پایین می‌آید و از ورود هوا به دهان جلوگیری می‌کند. در این هنگام، هوا وارد فضای بینی می‌شود که نوعی سایش ایجاد می‌کند، ولی شنیده نمی‌شود. (انیس، ۱۳۸۴: ۶۴) دلالت آوایی این حرف، تعبیری برای بطن اشیاء و صمیمیت است؛ بدین صورت که در لفظ مخفف و مرقق، زیبایی، عاطفه و تواضع را القا می‌کند و در لفظ مشدد، تجلی و خروج از اشیاء را بر مخاطب عرضه می‌دارد. در مواردی از کلمات نیز معنای اهتزاز، اضطراب، تکرار تحرک، ضعف و عیوب جسمی و روحی را در بردارد. (عباس، ۱۹۹۸: ۱۶۰-۱۶۵)

به نظر می‌رسد دلیل اختلاف زیاد بسامد فاصله نون در آیات بهشتی و جهنمی این باشد که بیشتر آیات جهنمی در مکه، آیاتی کوتاه و آهنگین دارند که این طنین‌انداز بودن آیات، بسامد بیشتری را می‌طلبد. البته این موضوع را نیز نباید دور از نظر داشت که تعداد آیات جهنم در محدوده این تحقیق تقریباً دو برابر آیات بهشتی است، اما تفاوت بسامد فاصله نون در میان آیات مکی و مدنی جهنم و مکی و مدنی بهشت نیز مشهود است.

حرف فاصله	مکی بهشت	مدنی بهشت	مجموع بهشت	مکی جهنم	مدنی جهنم	مجموع جهنم
نون	۳۰	۱۷	۴۷	۵۳	۳۱	۸۴

### ۳-۱- دلالت آوایی حرف نون در فواصل آیات بهشت

فاصله حرف نون در آیات سوره الرحمن از میان آیات بهشتی، به نحوی مؤثر بر جان مخاطب ارائه می‌شود. علاوه بر این، فواصل آیات به حرف نون ختم می‌شوند و آهنگ خاصی را القا می‌کنند. عبارت ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ در سراسر سوره تکرار شده است. می‌توان گفت با توجه به اینکه تنها در ابتدای این سوره است که به یکی از صفات خداوند متعال اشاره شده است، تکرار سیزده باره این عبارت، توجه مخاطب را به همین صفت خداوند متعال متوجه می‌سازد. به این صفت که رحمت عامه خداوند متعال (الرحمن) شامل مؤمن و کافر و دنیا و آخرت می‌شود و با آیه ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ به ثنای خداوند متعال ختم می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۹۴)

﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* ذَوَاتَا أَفْنَانٍ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكذِّبَانِ \* فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زُوجَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* مُتَكَبِّرِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَانُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* وَمَنْ دُونَهُمَا جَنَّتَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* مَدَاهَا مَتَّانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّخَتَا \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ \* تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿الرَّحْمَنُ: ۶۲-۷۸﴾

فواصل این بخش از آیات سوره الرحمن، متمائل و مطرف است؛ به جز آیه ۷۲ و ۷۸ که با آیات مجاور خود فاصله‌ای متقارب و مطرف به وجود آورده‌اند. فاصله‌های متمائل، که در آیات فوق با خط صاف مشخص شده‌اند، همگی اشاره به نعمت‌های بهشتی دارند و قبل از حرف نون در همه آیات، حرف الف مدی وجود دارد. کاربرد این حرف بیانگر قوت معانی، عظمت، اهتزاز، صلابت، قدرت و شأن و شکوه است. (عباس، ۱۹۹۸: ۹۷) و به خاطر راحتی تلفظ آن و برخورد نکردن هوا به هیچ یک از اعضای دهان و حلق از آوای لین محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت در این آیات نیز همراهی آن با حرف نون به راحتی و آسایشی که بهشتیان در بهشت تجربه خواهند کرد و نیز عظمت مقام آنان اشاره دارد و صدای نون نیز با توجه به دلالت آوایی خود بر دو موضوع دلالت دارد: صفا و صمیمت بهشتیان در بهشت با وجود نعمت‌های فوق‌الذکر و هشدار و بیدارباش به مکذبان نعمت‌های الهی.

علاوه بر اینکه فواصل در این سوره به حرف «نون ختم می‌شوند، واج آرایی‌های زیبایی نیز به وسیله این حرف در آیات ۶۸ و ۷۶ ایجاد شده است. در مورد نخست، ﴿مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ﴾؛ «بر بال‌ش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند.» واج آرایی حرف راء نیز وجود دارد که بر زیبایی آوا و نظم‌آهنگ موجود در این سوره می‌افزاید. این آیه آخرین نعمت از نعمت‌های بهشتی مطرح شده در این سوره است که با استفاده از نون ظاهر و تنوین، زیبایی این نعمات را به تصویر کشیده است. بنابراین این آیه نیز ضمن در برداشتن زیبایی‌هایی که در تصور آدمی نیست، با آهنگی نرم و لطیف و در عین هشدار و توبیخ، نعمت‌های بهشتی را به بزرگی و درخشانی و نورانیت تعریف می‌کند و در عین حال با عبارت ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ﴾ تمامی این نعمت‌ها را متصف به خداوند متعال می‌نماید. تکرار این حرف در سطح کلی آیات بهشتی این سوره که نظم‌آهنگ زیبایی را به وجود آورده و فضایی نورانی و شادمان را در ذهن آدمی می‌آفریند، بیانگر نورانیت بهشتیان و



وضوح و شفافیت و زیبایی نعمت‌های بهشتی با تعبیراتی همچون «جَنَّتَانِ، دَوَاتَا أَفْنَانَ، عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ، فَآكِهَةٌ زَوْجَانِ، مُتَكَيِّنَ عَلَى فُرْشٍ بَطَانُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانَ، وَلَا جَانَ، كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ، جَنَّتَانِ، عَيْنَانِ نَضَّاحَتَانِ، فَآكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ، فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَانٌ، حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ، مُتَكَيِّنَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حَسَانٍ» است. اکثر این نعمت‌ها و وصف‌ها نکره هستند که در حقیقت خبر از ناشناخته بودن آن‌ها برای انسان دارند و وقتی این قسمت از سوره الرحمن قرائت می‌شود، شادی و بهجتی در دل آدمی به وجود می‌آید که گویی وارد یک محیط نورانی و درخشان شده است.

۲-۳- دلالت آوایی حرف میم در فواصل آیات بهشت میم نیز مانند نون تلفظ می‌شود؛ با این تفاوت که در تلفظ نون، تیغه زبان به پایه دندان‌های پیشین بالای می‌چسبد، ولی در تلفظ میم، لب‌ها به یکدیگر می‌چسبند. (انیس، ۱۳۸۴: ۶۴) و به همین دلیل است که میم بر انجماع، عاطفه، انعطاف و پیوستگی دلالت دارد. (عباس، ۱۹۹۸: ۷۲-۷۴)

حرف میم در دو آیه از این رکوع، حرف فاصله است: ﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾ و ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾، «منظور از حوریان مقصور در خیمه‌ها، این است که از دستبرد اجانب محفوظند و زنانی مبتدل نیستند که غیر شوهران نیز ایشان را تماشا کنند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹، ۱۸۸) به نظر می‌رسد این معنا دقیقاً منطبق بر دلالت معنایی حرف میم است که بر انجماع تأکید دارد. بنابراین، همان‌گونه که هنگام تلفظ حرف میم لب‌ها بسته می‌شوند، حوریان نیز داخل خیمه‌ها و از دسترسی غیرهمسر، مقصور هستند.

در ابتدای سوره از رحمانیت خداوند متعال سخن رفته و در انتها به کرم و عظمت او اشاره می‌کند. «در آیه ۳۷ این سوره بعد از ذکر نعمت‌های مختلف معنوی و مادی دنیا می‌فرماید: ﴿وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ و در پایان سوره بعد از ذکر انواع نعمت‌های بهشتی می‌فرماید: ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ این دو تعبیر بیانگر این واقعیت است که همه خطوط به ذات پاک او منتهی می‌شود و هر چه هست، از ناحیه او است. دنیا از ناحیه او است و عقبی نیز از ناحیه او است و جلال و اکرام او همه چیز را فرا گرفته است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳، ۱۸۸) حرف میم در پایان این سوره بعد از ذکر تمامی نعمت‌های مادی و معنوی، تمام آن‌ها را در کبریا و کرامت خداوند متعال جمع می‌کند و در بهترین و زیباترین حالتها، اهل دین و اهل ولایت را اکرام می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۳۲۰) این معنا وقتی به خوبی دریافت می‌شود که به معنای اصطلاحی اکرام که عبارت است از «اینکه بزرگداشتی یا سودی به انسان برسد که در آن نقصان و خواری نباشد یا چیزی که به او می‌رسد، او را کریم یا شریف گرداند.» (راغب، ۱۴۱۲: ۴، ۱۴) توجه شود. پس می‌توان معنای انجماع و پیوستگی را از واژه اکرام دریافت که لطف و عنایت خداوند متعال، دلیلی برای جمع شدن این نعمت‌های از پیش ذکر شده است.

در آیات منتخب سوره طور نیز از مجموع آیات بهشتی، حرف نون و میم همراه

یکدیگر فاصله‌های متقارب و مطرف را پدید آورده‌اند. سوره طور یورش را آغاز می‌کند که واژه و عبارت، معنی و مدلول، تصویرها و سایه روشن‌ها، آهنگ‌ها و نواهای طنین‌انداز و نغمه‌پرداز آن و بندها و فاصله‌های آن یکسان و هم‌آوا در آن شرکت دارند. از آغاز تا پایان این سوره، آیه‌ها پشت سر هم می‌آیند. گویی آیه‌های این سوره گدازه‌هایی هستند که پرت می‌گردند و آهنگ‌ها و نواهای این سوره صاعقه‌ها و آذرخش‌ها هستند و تصویرها و سایه‌روشن‌های این سوره، تازیانه‌های گزنده‌ای هستند که بر احساس و شعور می‌تازند و یک لحظه هم از آغاز تا به انجام به حس و شعور مهلت و فرصت نمی‌دهند. (قطب، ۱۴۱۲: ۶، ۳۳۹۲)

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿۱﴾ فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ ﴿۲﴾ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۳﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۴﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ﴿۵﴾ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿۶﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ﴿۷﴾ كُلُّ امْرَأٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينٌ ﴿۸﴾ وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿۹﴾ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ ﴿۱۰﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ﴿۱۱﴾ وَأَقْبَلُ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۱۲﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿۱۳﴾ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿۱۴﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿۱۵﴾﴾ (طور: ۱۷-۲۸)

در مجموعه آیات بالا پنج آیه به میم ختم می‌شود:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿۱﴾ فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ ﴿۲﴾ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۳﴾﴾  
﴿يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ ﴿۱۰﴾﴾  
﴿فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿۱۴﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿۱۵﴾﴾

در هنگام تلاوت این بخش از سوره طور، ذهن متوجه این تفاوت حرف روی در فواصل آیات می‌شود و ناگهان می‌بیند که پنج کلمه متفاوت اما متقارب با دیگر فاصله‌ها وجود دارد: نعیم، جحیم، ائیم، سموم و رحیم. نعیم اولین واژه و رحیم آخرین واژه است؛ گویی رحیم بودن خداوند متعال سبب دستیابی به نعمت‌های بهشتی است و بهشتیان را از عذاب جحیم و سموم و تأتیم در امان نگه می‌دارد. رحیم بودن خداوند متعال اشاره به رحمت خاص خداوند متعال نسبت به بندگان خالص، مطیع و صالح دارد و انسان با توجه به این مفهوم در می‌یابد که نعیم همان رحمت خاص خداوند متعال نسبت به بهشتیان است و آن‌ها را از ائیم و سموم و رحیم حفظ می‌کند.

نعیم هفده بار در قرآن ذکر شده، اما پنج مورد از آن‌ها در آیات بهشتی مکی وجود دارد و ذکر این کلمه در این سوره از یک طرف برای حفظ فواصل و نغمه آیات بوده است؛ چه اینکه به طور مثال اگر «ان المتقين في جنات و نعيم» می‌آمد، انسجام آوایی سوره بهم می‌ریخت، و از طرف دیگر اشاره به همان رحمت خاص خداوند متعال است.



### ۳-۳- دلالت آوایی حرف میم در فواصل آیات بهشت و جهنم

در میان آیات جهنم نیز آیاتی با فاصله میم و نون وجود دارند؛ به طور مثال در سوره الرحمن، قبل از اینکه از بهشت و نعمت‌های آن سخن رود، ذکر جهنم و ویژگی‌های آن است:

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بَسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ \* يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ أَنْ \* فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (الرحمن: ۳۳-۴۵)

در این دسته از آیات نیز حرف فاصله آیات، نون است و در اثنای پرداختن به جهنم، روز قیامت و سختی‌های آن را نیز یاد می‌کند. همراهی الف مدی با نون در این آیات، انسان را به اهتزاز و اضطراب وا می‌دارد. برخلاف اینکه در آیات بهشتی این همراهی یادآور بشارت و شادمانی بود؛ در این آیات انسان به دلیل همراهی این دو آوا با توجه به حروف سایر کلمات که آوایی شدت‌دار و مجهور و ... دارند؛ مانند شواظ، انشقت، مجرمون، النواصی، الاقدام، جهنم، یکذب و ... نوعی سختی و دشواری و اضطراب احساس می‌کند و تکرار شش بار عبارت ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ بر این شدت و سختی می‌افزاید.

همان‌طور که گفته شد، در هنگام تلفظ حرف میم، برخلاف حرف نون، لب‌ها بسته هستند و صدا از بینی خارج می‌شود. در این بخش از آیات تنها آیه ﴿يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بَسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ﴾ به حرف میم ختم شده است و معنای آیه این است که: احدی از گناهش پرسش نمی‌شود، مجرمین با علامتی که در چهره‌هاشان نمودار می‌گردد، شناخته می‌شوند. در نتیجه موی جلو سرشان و پاهایشان را می‌گیرند و در آتش می‌اندازند. با وجود متقارب بودن میم و نون، متفاوت ذکر شدن فاصله این حروف با سایر آیات را می‌توان این‌گونه توجیه کرد: شناخته شدن تبهکاران از سیمایشان و افتادن آن‌ها با پیشانی و اقدامشان به سمت جهنم، به نوعی حکایت از ذلیل و خوار و خفیف کردن آن‌ها دارد که این جزای تکذیب حقایق ربانی و نشانه‌های دال بر آن‌هاست که در میان آتش قرار گیرند و سعی در خلاصی از گرمای آن داشته باشند، اما دوباره در آن فرو افتند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴، ۳۳۸)

دلالت آوایی میم در اینجا جمع شدن تمامی عذاب‌ها در جهنم بر جهنمیان و به یک باره تمام شدن عاطفه و نعمت خداوند از آنان با پایان یافتن ظلم و جرمشان است که گویی یکباره در آتش فرو می‌روند و تمام می‌شوند؛ درست به همان صورت که هنگام تلفظ میم، لب‌ها بسته شده و آوای آن در ابهام قطع می‌شود.

آیات زیر بخشی از آیات جهنم هستند که دارای فاصله میم هستند و از میان آیات سوره دخان انتخاب شده‌اند:

﴿إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُومِ \* طَعَامُ الْأَثِيمِ \* كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ \* كَغَلَى الْحَمِيمِ \* خُذُوهُ فَأَعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ \* ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ \* ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ \* إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ﴾ (دخان: ۴۷) «همانا درخت زقوم، خوراک گناهکار است. مانند مس گداخته شده در شکم‌ها می جوشد، چون جوشیدن آب جوشان. گفته می شود این گناهکار را بگیرد و او را به زور به وسط دوزخ بکشانید، آن گاه از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزد و بگوید بچش که تو همان ارجمند و بزرگواری. به یقین این همان چیزی است که همواره درباره آن تردید می کردید.»

عذاب‌هایی که در این آیات آمده از قبیل درخت زقوم که همان خوراک گناهکار است، مانند مس گداخته شده در شکم‌ها می جوشد، چون جوشیدن آب جوشان، در وسط دوزخ کشانده شدن، آب جوشان بر سر او ریختن و استهزا و ... به نوعی کنار هم جمع شده‌اند تا از طریق مفهوم انجماع حرف میم که در آخر کلماتی از جمله زقوم، جحیم، ائیم، حمیم و ... آمده است، مجموع این عذاب‌ها را به یک‌باره با آهنگی سخت و خشن بر قلب مخاطب وارد سازد و مثل ضربه پتکی محکم فرود می آید. از طرف دیگر ترکیب حروف این کلمات نیز سختی را بیشتر القا می کند؛ به طور مثال همراهی آوای صفیر زاء با آوای شدت دار قاف که تشدیددار است، در کلمه زقوم و آوای شدت دار جیم همراه با آوای مهموس حرف حاء در جحیم، آوای مجهوره همزه و مهموسه ثاء در واژه ائیم و ... هر یک به نوبه خود بر این سختی و اضطراب افزوده و در القای معنای عذاب مؤثر افتاده است.

۴- فاصله الف مدی در آیات بهشت و جهنمطبق نظر دانشمندان علم اصوات، صوت به دو نوع لین و ساکن تقسیم می شود. الف مدی جزو اصوات لین است که در اثر امتداد یافتن فته ایجاد می شود و هنگام ادای آن هوا از ریه‌ها به سمت حنجره و از حلق به سمت دهان جاری می شود؛ بدون اینکه با جایگاهی برخورد داشته باشد. اصوات لین به مراتب دارای وضوح بیشتری نسبت به اصوات ساکن هستند و در میان اصوات ساکن نیز الف مدی وضوح بیشتری دارد. (انیس، ۱۳۸۴: ۳۹) کاربرد این حرف بیانگر قوت معانی، عظمت، اهتزاز، صلابت، قدرت و شأن و شکوه است. (عباس، ۱۹۹۸: ۹۷)

#### ۴-۱- دلالت آوایی الف مدی در فواصل آیات بهشت

فاصله الف مدی در آیات بهشتی در رکوع اول سوره انسان نمود بیشتری دارد. قسمتی از آیاتی که در ارتباط با بهشت است، بدین قرار است:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا \* يُوفُونَ بِالْأَنْدَادِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَتَبِيًّا

وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا تُطْعَمُكُمْ لُوجُهُ اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا \* إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا \* فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا \* وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا \* مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا \* وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَدْلِيلًا \* وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِأَنْبِيَةٍ مِّنْ فَضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا \* قَوَارِيرٍ مِّنْ فَضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا \* وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا \* عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا \* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا \* وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا \* عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوهَا أَسَاوِرٌ مِّنْ فَضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا \* إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَّشْكُورًا ﴿انسان: ۲۲-۵﴾

سوره انسان از جمله سور مدنی است که ۳۱ آیه دارد. در تفسیر نمونه این سوره به پنج بخش تقسیم شده است: بخش اول از آفرینش انسان و خلقت او از نطفه «امشاج» (مختلط) و سپس هدایت و آزادی اراده او سخن می‌گوید. بخش دوم سخن از پاداش ابرار و نیکان است که شأن نزول خاصی در مورد اهل بیت (علیهم السلام) دارد. بخش سوم دلایل استحقاق این پاداش‌ها را در جمله‌هایی کوتاه و مؤثر بازگو می‌کند. بخش چهارم به اهمیت قرآن و طریق اجرای احکام آن و راه پرفراز و نشیب خودسازی اشاره کرده است و در بخش پنجم سخن از حاکمیت مشیت الهی (در عین مختار بودن انسان) به میان آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵، ۳۲۷) آیات منتخب تحقیق، بخش دوم و سوم این سوره است که پاداش ابرار و نیکان و دلایل استحقاق این پاداش‌ها را بیان می‌کند.

در سراسر این سوره آیات به حرف روی الف مدی ختم می‌شوند. کلمات پایانی آیات این سوره که به الف مدی ختم می‌شوند، عبارت‌اند از: «كَافُورًا، تَفْجِيرًا، مُسْتَطِيرًا، أُسِيرًا، شُكُورًا، قَمْطَرِيرًا، سُرُورًا، حَرِيرًا، زَمْهَرِيرًا، تَدْلِيلًا، قَوَارِيرًا، تَقْدِيرًا، زَنْجَبِيلًا، سَلْسَبِيلًا، مَّنشُورًا، كَبِيرًا، طَهُورًا و مَّشْكُورًا» به نظر می‌رسد با توجه به دلالت آوایی الف مدی، که کاربرد آن بر قوت معانی، عظمت، اهتزاز، صلابت، قدرت و شأن و شکوه استوار است، (عباس، ۱۹۹۸: ۹۷) این آوا در هر یک از موارد فوق بر عظمت و پیوستگی نعمت‌های بهشتی همچون نوشیدنی‌های معطر سرد و سفید کافور، چشمه جاری از این نوشیدنی‌ها (تفجیرا) و .... دلالت دارد. این نعمت‌های زیبا مخصوص کسانی است که از روز قیامت که گزندش گسترده (مستطیرا) است، می‌ترسند و از غذای محبوب خود به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از آن‌ها ندارند و از روز عبوس و هولناک (یوما عبوسا قمطریرا) می‌ترسند. در مقابل این اعمال خداوند به آن‌ها چیزهایی را عطا می‌کند:

۱. نگهداری از آسیب روز هولناک قیامت و اعطای شادمانی در آن روز (سُرورًا). ۲. بهشت و لباس‌های ابریشمی (حَریرًا). ۳. دوری از گرما و سرمای اذیت‌کننده (لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا). ۴. سایه‌های نزدیک درختان و میوه‌های در دسترس آن‌ها ۵. ظرف‌های نقره‌فام و قدح‌های بلورین ۶. جام‌های نقره‌ای با اندازه متناسب ۷. نوشیدنی‌های زنجبیلی در جام‌های

نقره، ۸. که از چشمه‌های به نام سلسبیل می‌جوشد. ۹. نوجوانان جاودانی همچون مروارید پراکنده که همواره در اطراف بهشتیان برای پذیرایی پراکنده‌اند. ۱۰. شباهت بهشت به نعمات فراوان و کشوری بزرگ. ۱۱. نوشانیدن شراب طهور توسط پروردگارشان به بهشتیان.

تمامی این نعمات به دلیل مقبول افتادن تلاش بهشتیان در دنیاست. در این مجموعه چهار دلیل برای بهشتی شدن بهشتیان معرفی شده است که عبارت‌اند از:

۱. ترس از روز پرگزند و عذاب روز قیامت؛ ۲. انفاق از غذای خود به مسکین و اسیر و یتیم؛ ۳. کمک به دیگران بدون هیچ چشمداشت برای تشکر؛ ۴. ترس از روز قیامت هولناک و چهره در هم کشیده.

با دقت در این چهار دلیل روشن می‌شود که بهشتیان در این دنیا، چقدر از وسعت فکر و اندیشه و بصیرت برخوردار بوده‌اند؛ آن‌گونه که همواره به یاد مرگ بوده‌اند و از عذاب‌های روز قیامت می‌ترسیدند، انفاق به نیازمندان کار همیشگی آن‌ها بود و هیچ چشم‌داشتی به تشکر و سپاس دیگران نداشتند و به قولی پیامبرگونه زندگی می‌کردند. هر چهار صفت فوق‌نشانه بزرگی و بزرگواری شخصیت بهشتیان در دنیاست. بنابراین پاداش‌های آن‌ها نیز باید متناسب با این بزرگواری‌ها باشد. همان‌گونه که جهنمیان متناسب با اعمالشان عذاب می‌شوند، بهشتیان نیز متناسب با اعمالشان در بهشت پاداش می‌بینند. نعمت‌هایی که در بالا ذکر شد، همگی سزاوار انسان‌هایی است که در دنیا هر گونه سختی و تلخی ترس از قیامت و عذاب‌های هولناک آن را به جان خریده‌اند، از آنچه برایشان عزیز و دوست‌داشتنی بود، چشم پوشیده‌اند و انتظار هیچ سپاسی نیز نداشته‌اند. پس چنین انسان‌هایی لایق استفاده از این نعمت‌های همیشگی و باعظمت و باشکوه هستند و این موضوع دلیل خوبی است برای پایان یافتن آیات با الف مدی، که از سویی عظمت بهشت و عظمت روحی و معنوی بهشتیان را یادآور می‌شود و از سویی هشدار می‌دهد برای بدکاران برای از دست دادن این نعمت‌ها در صورت نداشتن آن چهار صفت، و پشارتی است برای نیکوکارانی که متصف به چهار صفت فوق هستند.

#### ۴-۲- دلالت آوایی الف مدی در فواصل آیات جهنم

دلالت آوایی الف مدی در آیات کوتاه و آهنگین در میان آیات جهنم، در سوره نبأ قابل توجه است. ذکر این نکته ضروری است که فاصله آیات، همان آوایی است که در هنگام وقف بر آخر آیات شنیده می‌شود. در این سوره آوای آخر، تنوین است که بر اساس قواعد تجویدی، هنگام وقف، به الف مدی بدل می‌شود. فاصله‌ها در این سوره از نوع متمائل و مطرف هستند:

﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا \* وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا \* وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا \* إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا \* لِلطَّاغِينَ مَأْبَأًا \* لَا يَبْقَى فِيهَا أَحْقَابًا \* لَا يُدْفِقُونَ فِيهَا بُرْدًا وَلَا شَرَابًا \* إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا \* جَزَاءً وَفَاقًا \* إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا \* وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا﴾

\* وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا \* فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿﴾ (نبا: ۱۸-۳۰)

آیات فوق از سوره نبا که سوره‌ای مکی است و همانند سایر سور مکی از معاد سخن می‌گوید، ابتدا قسمتی از نشانه‌های رستاخیز را بیان می‌کند و سپس به گوشه‌ای از عذاب‌های دردناک طغیانگران، با لحنی کوبنده، تکان‌دهنده و بیدارکننده که مخصوص سور مکی است، اشاره می‌کند. به همین دلیل تأثیر شگرفی بر هر فرد آگاه می‌گذارد و ناآگاهان را نیز بیدار می‌کند، به جان‌های بی روح، حیات می‌بخشد و عالمی پر شور و غوغا را به تصویر می‌کشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۶، ۳)

در این آیات بعد از وصف شروع قیامت، صحنه عذاب جهنم با تمام قدرت و قوت و سختی خود این‌گونه جلوه می‌کند: در کمین است ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾؛ سرکشان و طغیانگران بدان جا باز خواهند گشت ﴿لِلطَّاغِينَ مَأْبًا﴾؛ روزگاری دراز در آن بمانند. ﴿لَا يَتَنَبَّأُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾؛ در آنجا نه آب خنک دارند و نه آشامیدنی باب میل ﴿لَا يَدْرُقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا﴾؛ مگر آب جوشان، چرکاب و خونابه از بدن دوزخیان ﴿إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا﴾؛ که پاداشی متناسب اعمال خودشان است. ﴿جَزَاءً وَفَاقًا﴾

علاوه بر اینکه در آیه ۲۲ بر سرکش بودن جهنمیان اشاره می‌کند، بعد از ذکر عذاب‌های آن‌ها، ویژگی‌های دیگری نیز بر طغیانگری می‌افزاید:

(الف) امید نداشتن به روز قیامت ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا﴾

(ب) انکار آیات خداوند با همه وجود ﴿وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا﴾

با این وجود، همه اعمال آنان ثبت شده و در قیامت به آن‌ها گفته می‌شود: بپشید که هرگز جز عذاب بر شما نیفزاییم.

کیفر متناسب با اعمال آن‌ها از این روست که آن‌ها در دنیا از فرمان خدا سرکشی می‌کردند، دل‌های ستم‌دیدگان را می‌سوزاندند، جانشان را به آتش می‌کشیدند و با ظلم و زور خود بر کسی رحم نمی‌کردند. بنابراین دوزخ با آن نوشیدنی‌ها که وصفش آمد، سزاوار چنین کسانی است که توقع حسابرسی را در معاد نداشتند و همواره نشانه‌های خداوند را انکار می‌کردند. (قطب، ۱۴۱۲: ۶، ۳۸۰۲-۳۸۰۷)

مقابله زیبایی که در این سوره وجود دارد، میان توصیف بهشتیان و جهنمیان است، که بعد از ذکر توصیف جهنم و جهنمیان، با همان طنین محکم و فراز و فرودهای یکسان، به دلیل حفظ آهنگ کلی سوره، آیات بهشتی شروع می‌شود و با همان حرف الف مدی پایان می‌یابد و فراخی نعمت‌های بهشتی و متناسب بودن این نعمت‌ها را با اعمال بهشتیان یادآور می‌شود: ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا \* حَدَاتِقَ وَأَعْنَابًا \* وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا \* وَكَأَسَا دِهَاقًا \* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا \* جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا﴾ (نبا: ۳۱-۳۳)

به نظر می‌رسد کارکرد آوایی الف مدی به عنوان فاصله در این سوره، بر سه معنا دلالت

داشته باشد:

عظمت معاد و تنبه نسبت به منکران معاد؛ بیان عظمت جهنم و عذاب‌های آن؛ بیان عظمت و شکوه بهشت و نعمت‌های آن.

## ۵- فاصله راء در آیات بهشت و جهنم

راء صدایی دارای صفت تکریر است. در تلفظ آن تیغه زبان به ابتدای کام (که بعد از دندان‌های پیشین بالا قرار دارد)، برخورد می‌کند و هنگام تلفظ با دو یا سه لرزه تکرار می‌شود. گویا تیغه زبان ابتدای کام را دو سه مرتبه آهسته و آرام می‌کوبد تا راء زبان عربی ایجاد شود. همچنین راء از صفات متوسط بین شدت و رخوت محسوب می‌شود و صفت جهر را نیز در بر دارد. برای تولید راء، هوا از شش‌ها و از حنجره عبور کرده و تارهای صوتی را مرتعش می‌کند. سپس هوا از حلق و دهان می‌گذرد تا به مخرج خود که همان تیغه زبان است، متصل شود. درحالی که به ابتدای کام بالا چسبیده و هوا در آنجا تنگ می‌شود. (انیس، ۱۳۸۴: ۶۴) دلالت آوایی این حرف در پایان کلمات بر تحرک، تکرار، بازگرداندن و برای احساسات مثل خشم و اضطراب و انفعال نفسی و بدنی است و لطافت و مهربانی، شادمانی و سستی از دیگر معانی این حرف است. در بعضی مصادر بر ترس و خوف دلالت دارد که صفت تکریر این معنا را افزایش می‌دهد. در بعضی دیگر از مصادر نیز بر استقرار و ثبات و ارتباط یک شی با شی دیگر دلالت دارد. (عباس، ۱۹۹۸: ۸۵-۸۹)

حرف	مکی بهشت	مدنی بهشت	مجموع بهشت	مکی جهنم	مدنی جهنم	مجموع جهنم
راء	۵	۶	۱۱	۲۱	۲۳	۴۴

اختلاف عمده‌ای که در تعداد فواصل راء در آیات بهشت و جهنم مشهود است، حتی اگر دو برابر بودن تعداد آیات جهنم کنار گذاشته شود، باز هم تعداد فاصله حرف راء در آیات جهنم سه برابر آیات بهشتی است. عمده کلماتی که در آیات جهنم به فاصله راء ختم می‌شوند، عبارت‌اند از: نار، سعیر و مصیر. در آیات بهشتی بسامد آیتانی که به فاصله راء ختم می‌شوند، بسیار کم است و آنچه بیشترین بسامد را در ارتباط حقیقی با بهشت دارد، واژه حریر است.

## ۱-۵- دلالت آوایی حرف راء در فواصل آیات بهشت

همان‌طور که گفته شد در میان آیات بهشتی حرف راء بسامد کمتری دارد. بخشی از آیتانی که به حرف راء ختم می‌شوند، عبارت‌اند از:



﴿وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بَعْدَهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ \* ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنُ اللَّهَ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ \* جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ \* وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ \* الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾ (فاطر: ۳۱-۳۵)

حریر را پارچه لباسی گویند که نازک و نرم است و در ماهیت آن اشاره‌ای به حرکت، فعالیت خوب و مطلوب وجود دارد: «فی مادّته اشاره الی الحرکه و الفعالیّه الحسنه المطلوبه و التحوّلات الّتی ترغّب الیها نفوسهم و تلتذّ بها» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲، ۲۲۵) پس در این کلمه علاوه بر اینکه دلالت آوایی حرف راء بر حرکت مطلوب و دلخواه پارچه لباس بهشتیان اشاره دارد و همراهی آن با حاء مهموسه به نرمی، لطافت و نازکی آن نیز اشاره می‌کند که قابل مقایسه با حریرهای دنیایی نیست.

## ۵-۲- دلالت آوایی راء در فواصل آیات جهنم

در آیات جهنمی نیز بخشی از آیات سوره ملک به حرف راء ختم می‌شوند:

﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ \* وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ \* إِذَا الْقُورُ فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ \* تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهُمْ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ \* قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ \* وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ \* فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک: ۶)

فاصله در این آیات به حرف راء ختم می‌شود. همان‌طور که گفته شده حرف راء در پایان کلمات، به معنای تحرک، تکرار، بازگرداندن و برای احساسات مثل خشم و اضطراب و انفعال نفسی و بدنی است و باید دید که آیا در این آیات نیز بر این معنا دلالت دارد یا خیر؟ در این آیات فواصل به صورت متماثل و متوازی هستند، به جز آیه هفتم که با وزنی متفاوت ذکر شده است. سعیر، المصیر، نذیر، کبیر و سعیر کلمات هم‌وزنی هستند. سعیر در این مجموعه سه بار تکرار شده است. در کتاب التحقیق درباره سعیر آمده است: «یراد ما یکون فی شدّه من الحراره مع الاتهاب» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۵، ۱۵۸) سه بار تکرار این کلمه در حقیقت تأکیدی بر این معناست و شدت حرارت و التهاب شعله‌های آتش به خوبی با حرف راء در نفس آدمی القا می‌شود و لرزش شعله‌های جهنم حس می‌شود.

از طرفی این عبارت در آیات مکی جهنم شش بار و در آیات مدنی فقط یک بار به عنوان فاصله آمده است و این موضوع به خوبی گویای ضروری بودن جهنم با این وصف در مکه بوده است. چون شدت اعمال بد به حدی بوده است که باید شدت شعله‌های آتش جهنم در عذاب آن اعمال بیان می‌شد. در مقابل عبارت «بئس المصیر» در آیات مکی یک بار و در

آیات مدنی ده بار به کار رفته است؛ چون در مدینه تا حدی از شدت عتاب‌ها کاسته شده و تنها اشاره به بدی جایگاه جهنم مهم جلوه می‌کند. کلمه نار نیز در انتهای آیات در هر دو مجموعه هشت بار و به صورت یکسان به کار رفته است.

با توجه به آیاتی که در بهشت و جهنم مقایسه شد، بسامد بیشتر حرف راء در آیات جهنم به این دلیل است که در جهنم، التهاب شعله‌های آتش را به بهترین وجه با الفاظی همچون نار و سعیر نشان دهد، اما در آیات بهشتی که خبری از این شدت و التهاب و لرزش نیست، تنها استفاده از کلمه حریر نهایت لطافت و نرمی و همچنین ماهیت تحرک در این پارچه را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

## ۶- فاصله دال در آیات بهشت و جهنم

دال صدایی شدید و مجهور است که هنگام تولید آن، هوا از حنجره عبور کرده، تارهای صوتی را مرتعش می‌کند و پس از گذشت از حلق و دهان به مخرج صدا می‌رسد. در آنجا هوا به دلیل جسییدن تیغه زبان به پایه‌های دندان‌های پیشین بالا، مدت خیلی کوتاهی حبس می‌شود. وقتی که زبان از پایه دندان‌های پیشین جدا شد، یک صدای انفجاری شنیده می‌شود که آن را دال می‌نامیم. (انیس، ۱۳۸۴: ۴۸) حرف دال بر سختی و تغییر با شدت، صلابت و قدرت و قساوت و تحرک سریع دلالت دارد و بی‌هیچ کنایه و توریه‌ای بر احساس سیاهی و ظلمت تأکید می‌کند. (عباس، ۱۹۹۸: ۶۷-۶۹)

هنگامی که کلمات فاصله آیات با یکی از حروف «ون»، «ین» و «ان» پایان نپذیرد و مثلاً با یک حرف ساکن پایان یابد، این موضوع به دلیل پیروی از آوای جمله و تقطیع واژگانی آن آمده و متناسب با لحن گفتار است که به زیباترین شکل ممکن در جایگاه خود قرار گرفته است. اغلب این فواصل در آیات کوتاه آمده و از حروف قلقله یا رنگ‌دار یا طنین‌انداز و یا حروف دیگری است که در نظام موسیقی، لحنی برای آن قائل شده‌اند.

همان‌طور که گفته شد، فاصله آوایی است که هنگام وقف بر آخر آیات به گوش می‌رسد. این آواها اگر از حروف قلقله‌دار باشند، وضوح و شدت بیشتری را نشان می‌دهند. قلقله عبارت است از جنبش و اضطراب صدا در هنگام تلفظ پنج حرف «ق، ط، ب، ج، د» در حالت سکون که با فشار و تراکم‌سازی شدید حرف در مخرج آنها پدید می‌آید. این حروف در هنگام سکون دو بار شنیده می‌شوند: یکی به صورت حبس شده و در دومی صدا به صورت انفجاری و مقطوع از حنجره به گوش می‌رسد. به دلیل موارد مذکور، این حروف که همراه با حرکت و اضطراب هستند، قلقله نامیده شده‌اند. (نیربانی، ۲۰۰۶: ۷۴)

## ۶-۱- دلالت آوایی حرف دال در فواصل آیات بهشت

در میان آیات بهشتی، حرف دال در آیاتی از سوره واقعه، فواصلی متمائل و متوازی ایجاد

کرده است:

﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ \* فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ \* وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ \* وَظِلِّ مَمْدُودٍ﴾  
(واقعہ: ۲۷-۳۰) لفظ »

مخضود» تنها یک بار در قرآن ذکر شده است و اشاره به شاخه درخت سدر دارد که خارهایش بریده و زدوده شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱، ۲۸۵) اصل در ماده این کلمه همان رفع سختی و خشونت و هموار کردن و منعطف ساختن است و منظور از درخت سدر مخضود، نرمی و انعطاف و شادابی و طراوت آن است که بدون وجود هر نوع خاری، دستیابی به میوه‌هایش آسان است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳، ۸۲-۸۳) مفهومش این است که خارهای آن را قطع کرده و به جای هر خار، میوه‌ای قرار داده‌اند که هر میوه‌ای هفتاد و دو رنگ ماده غذایی دارد که هیچ یک شباهتی به دیگری ندارد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴، ۱۴۰) درباره لفظ »

منضود» در این آیه نیز گفته‌اند که طلح درخت موز است و منضود اشاره به چیدن ردیفی آن‌هاست. چون منضود اسم مفعول از مصدر نضد، عبارت از هر چیزی است که روی هم چیده شده و متراکم باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹، ۲۱۳) »

ممدود» یعنی سایه ابدی که آفتاب و حرارتی آن را گرم نمی‌کند. پس سایه جاودانی است که از بین نمی‌رود و عرب به هر چیز درازی که منقطع نمی‌شود، ممدود گوید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۹، ۱۲۳)

دالالت آوایی حرف دال در این آیات بر همان شدت و سختی که در آیه اول از درخت سدر رفع شده است، بر چینش متراکم و پیوسته میوه‌ها در آیه دوم و پیوستگی و دوام سایه بهشت در آیه سوم دلالت دارد. گویی آن استقراری که هنگام تلفظ دال ساکن قلقله‌دار در این آیات سه‌گانه در وجود آدمی نقش می‌بندد، هر یک به استقرار و دوام آن نعمات بهشتی اشاره دارد.

## ۶-۲- دلالت آوایی حرف دال در فواصل آیات جهنم

در میان آیات جهنم نیز آیات ۱۳ تا ۱۸ سوره ابراهیم قابل توجه است:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنَ الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَن خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدٍ \* وَأَسْتَفْتِحُوا وَخَابَ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ \* مَن وَرَاءَهُ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ \* يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسَبِّغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن وَرَاءِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ \* مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ﴾  
(«عتید» اشاره‌ای است به مردم متکبر و معاند که از حق دوری می‌کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶،

سال دوم

شماره دوم

پیاپی: ۴

بهار و تابستان

۱۳۹۸

۴۷۴) چرا که معمولاً افراد متکبر و معاند بر حرف خود پافشاری و اصرار دارند. «صدید» به چرک‌ها و خون و جراحت‌هایی که در آتش جهنم جاری می‌شود و رنگ آن مثل رنگ آب و طعم آن مثل طعم خون و جراحت است، گفته می‌شود. همچنین به معنای جرعه‌جرعه نوشیدن نجاست است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۴۷۳-۴۷۴)

کلمه غلیظ نیز که در بین آیات با فاصله حرف دال متفاوت جلوه می‌کند، عبارت است از عذاب سنگینی که بعد از نوشیدن ماء صدید نصیب جهنمیان می‌شود. «ظاء صدایی مجهور و دقیقاً همانند ذال است با این تفاوت که ظاء دارای صفت استعلاست. در هنگام تلفظ ظاء زبان به کام بالا به شکل مقعر می‌چسبد. در تلفظ ظاء تیغه و عقب زبان به طرف کام بالا می‌رود و وسط زبان مقعر می‌شود؛ زبان اندکی به عقب برمی‌گردد و به همین دلیل گذشتگان ظاء را از حروف اطباق می‌دانستند.» (انیس، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۶) دلالت آوایی این حرف در آخر مصادر بر شدت، ظهور، بزرگی و نیرومندی و سختی است. (عباس، ۱۹۹۸: ۱۲۳) منفرد آمدن این فاصله و با این حروف سخت و شدت‌دار در عبارت «عذاب الغلیظ» همگی توجه بیشتر به مفهوم این آیه را می‌طلبد که حتی بعد از نوشیدن ماء صدید با آن حجم از تنفیری که از آن حس می‌شود، هنوز عذابی غلیظ‌تر و سنگین‌تر را در بردارد. «غلظت در این آیه در مقابل رقت قرار دارد و در اصل معنایی آن مفاهیم شدت تأکید، تقویت و سختی و ... وجود دارد.» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۷: ۳۰۶) یعنی در هر زمان عذاب و سختی بدتر و سخت‌تر از عذاب قبلی روی می‌دهد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۷: ۱۹۲)

در آخرین آیه نیز جهنمیان را در گمراهی دور و درازی معرفی می‌کند: «ذَلِك هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ» که منظور از آن دوری معنوی است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱: ۳۲۳) به گونه‌ای که اعمال آن‌ها فرسنگ‌ها از میزان سنجش اعمال دور است و گمان می‌کنند آنچه اندوخته‌اند، برایشان فایده خواهد داد. در صورتی که همانند ذره غباری بیش نیستند. همچنین ضلال بعید از آن جهت است که هدایت یافتن چنین شخصی بسیار بعید و مشکل است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۱: ۲۰۵) و این عبارت شرحی جامع برای خلاصه حالات جهنمیان است. (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۲: ۲۴۱)

بنابراین در این دسته آیات حتی قبل از اینکه به معانی آیات پی برده شود، این شدت و سختی حاصل از آوای دال‌های قلقله‌دار در نفس انسان حس می‌شود و با مراجعه به معنای تک‌تک آیات و کلمات این سختی و شدت روشن می‌شود.

## ۷- فاصله هاء در آیات بهشت و جهنم

ها آوایی مهموس و با صفت رخوت است. هنگام تلفظ آن بدون اینکه تارهای صوتی به ارتعاش درآید، چاکنای باز می‌ماند، اما دفع هوا نوعی سایش خفیف‌تر از حاء ایجاد می‌کند که از انتهای حلق یا شکاف چاکنای شنیده می‌شود. حالت دهان هنگام تلفظ این حرف،

همانند تلفظ آوای لین است. (انیس، ۱۳۸۴: ۸۴) هاء بر نوعی مفهوم متلاشی شدن و از بین رفتن دلالت دارد و تعریف مبهمات در آن مشهود است که احساس حرن، اندوه و ناامیدی را در انسان به وجود می‌آورد. (عباس، ۱۹۹۸: ۱۹۱-۱۹۳)

سوره غاشیہ یکی از سوره‌هایی است که در آن فواصل قسمتی از آیات به حرف هاء سکت ختم می‌شود. تفسیر نمونه این سوره را در سه محور معاد، توحید و نبوت معرفی کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۶، ۴۱۲) آیات محور اول به هاء سکت، محور دوم به حرف ت و محور سوم به حرف راء ختم می‌شوند.

آغاز این سوره که محور اول را نمایان می‌سازد، با یک استفهام صورت گرفته است. طبرسی معتقد است که هرچند «هل» از جمله ادات استفهامی است، اما در این سوره معنای سؤال و استفهام جدی را در پی ندارد، بلکه برای مهم جلوه دادن مطالب بعدی و خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و مدلول آن، اخبار قطعی بودن فرا رسیدن روز قیامت است که حالات سختی و ترس و دشواری مردم را فرا خواهد گرفت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۷۲۵)

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ \* وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٍ \* عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ \* تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً \* تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ \* لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ \* لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾ (غاشیہ: ۷-۱)

این قسمت از آیات، بعد از ذکر حادثه غاشیہ که این کلمه نیز ماهیت حرفی سخت و القاکننده ترس و اضطراب دارد، به ذکر حالات کسانی می‌پردازد که در روز غاشیہ، چهره زبون و شرمسار دارند، اعمالشان سودی به حالشان نبخشیده، در آتشی سوزان خواهند افتاد و از چشمه بسیار داغ آن می‌نوشند. غذای آنان جز خار خشک و زهر آگین نیست که نه فربه‌شان می‌کند و نه از گرسنگی نجاتشان می‌دهند.

غاشیہ، خاشعہ، عاملہ، ناصبہ، حامیہ و آنیہ در ابتدای خود الف مدی دارند که بر اثر آن‌ها آوایی بلند ایجاد می‌شود، اما در پایان، ناگهان آوای صدا پایین می‌آید و متوقف می‌شود. گویا انسان در بلندی‌ها پرواز می‌کند و ناگهان به زمین می‌افتد. «خاشعہ، عاملہ، ناصبہ» هر سه خبر برای وجوه است که در روز قیامت، هراسان و نگران خواهند بود. به خاطر اینکه سزای او حامیہ (افتادن در آتش سوزان) و آنیہ (نوشیدن از چشمه داغ) است. (ابن عاشور، بی‌تا: ۳۰، ۲۶۲) و به نظر می‌رسد که حرف الف مدی در ابتدای این کلمات و هاء سکت در انتهای آن‌ها حاکی از این موضوع است که جهنمیان در دنیا خود را در جاهای بزرگ و عالی می‌پنداشتند و در برابر خداوند متعال سر تعظیم و تسلیم فرو نمی‌آوردند. بنابراین به روز غاشیہ که می‌رسند، ناگهان خود را در قعر جهنم و دوزخ می‌یابند و از این رو در این روز زبون و خوار هستند. وصف خَاشِعَةٍ و عَامِلَةٍ و نَاصِبَةٍ تعریضی به اهل شقاوت است برای

یادآوری به آنها که چون خشوع و خضوع نسبت به خداوند و عمل به اوامر او و اطاعت از او را ترک کردند، پس جزای آن‌ها، سر به زیر انداختن ذلت‌بار، اعمال سخت و افتادن در دل سختی‌هاست. (ابن عاشور، بی تا: ۳۰، ۲۶۳)

حرف عین نیز مانند هاء از جمله حروف حلقی است. عین آوایی مجهور و محل تولید آن وسط حلق است. به هنگام تلفظ آن، هوا تارهای صوتی را مرتعش می‌کند و هنگامی که به وسط حلق می‌رسد، مجرای آن تنگ می‌شود. البته تنگی مجرای مخرج عین کمتر از مجرای غین است که این عمل باعث می‌شود، رخوت آن کمتر از غین باشد. (انیس، ۱۳۸۴: ۸۳) این حرف بر شدت، بزرگی، ظهور، علو، صفا، ضیاء و وضوح دلالت دارد. (عباس، ۱۹۹۸: ۲۱۶-۲۱۷)

قرار گرفتن عین در کنار حروف روی فواصل این بخش از آیات که مرتبط با جهنم است، بر شدت این ابهام و ترس حاصل از فراز و فرودهایی که به وسله هاء سکت به وجود می‌آید، می‌افزاید.

در ادامه آیات این سوره از بهشتیان سخن رفته است:

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ \* لِّسَعِيهَا رَاضِيَةٌ \* فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ \* لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَآغِيَةً \* فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ \* فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ \* وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ \* وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ \* وَزُرَابِي مَبْتُوثَةٌ﴾ (غاشیة: ۱۰)

در این مجموعه از آیات، نعمات بی‌شماری از نعمت‌های بهشتی با الفاظی که در هنگام وقف به ها ختم می‌شوند، بیان شده است. دلالت آوایی حرف «هاء» را با توجه به آنچه در ابتدا گفته شد، در این مجموعه می‌توان این‌گونه توصیف کرد که تمامی این نعمت‌ها همواره برای انسانی که در این دنیا است، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و هرچند که برای تقریب به ذهن بشر با مفاهیم دنیایی بیان شده است، اما باز هم بشر از دستیابی به کنه واقعی آن‌ها ناتوان است. بنا بر آیه هفدهم سوره مبارک سجده ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ هیچ کس نمی‌داند که برای او در سرای آخرت چه چیزی آماده شده است.

ناعمه، راضیه، عالیه، لاغیه، جاریه یک مجموعه از فواصل متماثل و متوازی را به وجود آورده است که ختم شدن کلمات به ها نوعی فراز و فرود را در آهنگ این آیات به وجود می‌آورد.

همانند این موضوع در آیات بعد نیز مشهود است، مرفوعه، موضوعه، مصفوفه، مبتوئه همگی فواصلی متماثل و متوازی هستند. فاصله متوازی نقش به سزایی در آهنگ آیات دارد؛ چون کلمات در این نوع فاصله هم حرف روی یکسان دارند و هم وزن یکسان. بنابراین تأثیر بیشتری بر نفس مخاطب و متوجه‌سازی او دارند. این کلمات در هر آیه، صفت کلمه



قبل از خود یعنی سرر، اکواب، زرابی و نمارق هستند. گویا در زبان فارسی فارسی بخواهیم از صحنه دل‌انگیزی تعریف کنیم و بگوییم: چه تخت‌هایی داشت، تخت‌هایی بلند! چه قدح‌های نهاده‌شده‌ای وجود داشت! چه بالش‌های پهلوی هم چیده‌شده‌ای و چه فرش‌هایی؛ فرش‌هایی زربافت و گسترده! گویی برای کسی که آنجا را ندیده، گوشه‌ای از زیبایی‌ها را با حیرت و شیدایی بیان می‌داریم.

مشابه این تقابل در سوره الحاقه نیز وجود دارد که برعکس آیات سوره غاشیة، ابتدا از بهشتیان سخن رفته است.

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيهِ \* إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حَسَابِيهِ \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ \* فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ \* قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ \* كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾ (الحاقه: ۱۹-۲۴)

سپس درباره جهنمیان می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ \* وَلَمْ أَدْر مَا حَسَابِيهِ \* يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ \* مَا أُغْنِي عَنِّي مَالِيهِ \* هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ \* خُذُوهُ فَغُلُّوهُ \* ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ \* ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ \* إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ \* وَلَا يَحْضُ عَلٰى طَعَامِ الْمَسْكِينِ \* فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ \* وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ \* لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ﴾ (الحاقه: ۲۵-۳۷)

با توجه به این که حرف هاء در هر دو مورد بهشت و جهنم در فواصل ذکر شده است، شاید این سؤال پیش بیاید که با توجه به تفاوت موضوعی، چرا در هر دو مجموعه از یک حرف روی استفاده شده است؟ لازمه پاسخ به این سؤال، توجه به کارکرد مختلف حروف است. برای پی بردن به دلالت حروف در هر مجموعه باید سعی شود ارتباط میان دلالات معنایی و موضوع مورد نظر کشف شود. در مورد آیات بهشتی حرف‌ها با آن فراز و فرودهایی که در آیات پدید آورده است؛ یعنی به صورتی که در ابتدای آیات، آوای بلند نمود دارد و بعد ناگهان در پایان سکون بر هاء نوعی حالت رفت و برگشتی ایجاد می‌کند که گویا انسان فکر می‌کند به معنایی پی برده است، اما وقتی به هاء سکت می‌رسد، دنیایی از ابهام برایش ایجاد می‌شود.

در آیات جهنمی نیز دیدیم که کلمات دارای حرف روی هاء علاوه بر نشان دادن ابهام موجود در عذاب‌های جهنمی، بر شدت و اضطراب حاصل از آن‌ها تأکید می‌کند. یعنی در آیات بهشتی هیچ‌گونه ترس و اضطرابی وجود ندارد؛ چون اندکی از معانی دریافت شده و تنها در کنه آن نعمات ابهام وجود دارد، اما در آیات جهنم که انسان از عذاب می‌ترسد، علاوه بر ابهامی که هاء در بردارد، اضطراب و ترس و خوف بیشتری را نیز بر قلب مخاطب القا می‌کند.

نتیجه‌گیر یانچه از بررسی آیات مختلف به دست آمد، این است که کارکرد حروف و

دلالت‌های معنایی آن‌ها در موضوع بهشت و جهنم متفاوت است و به طور مطلق نمی‌توان گفت حروف خاصی به مجموعه موضوعی خاصی از آیات دلالت دارند. بلکه دلالت مفهومی هر حرف در هر موضوع متفاوت است؛ به این صورت که:

- دلالت آوایی حرف نون در آیات بهشتی بر مفهوم روشنی‌بخشی، زیبایی، صمیمت بهشتیان و نغمه نشاط‌بخش است و در آیات جهنم بر سختی، اضطراب و دشواری عذاب‌ها دلالت دارد.

- دلالت آوایی حرف میم در آیات بهشتی با توجه به مفهوم انجماع آن، بر صفا و صمیمت بهشتیان در مصاحبت با یکدیگر و جمع تمام خوبی‌ها و نعمت‌ها بر بهشتیان استوار است و در آیات جهنمی به جمع شدن یک‌باره عذاب‌ها همانند پتکی بر سر آن‌ها اشاره می‌کند.

- دلالت آوایی حرف الف مدی در آیات بهشتی بر عظمت رحمت و رضوان خداوند متعال نسبت به بهشتیان و شأن و شکوه آن‌ها نزد خداوند متعال و همچنین نعمت‌های والای بهشتی تأکید دارد و در مقابل در آیات جهنمی، اهتزاز و سختی و شدت عذاب‌های الهی را بر جهنمیان عرضه می‌دارد.

- دلالت آوایی حرف راء در آیات بهشتی بر مطلوب بودن و نرمی و لطافت نعمت‌های بهشتی و در آیات جهنمی بر لرزش و شراره آتش جهنم و عذاب‌های آن است و در هر دو مورد با توجه به صفت تکریر حرف راء، وجود مکرر این نعمات و عذاب‌ها را یادآور می‌شود.

- دلالت آوایی حرف دال در آیات بهشتی بر استقرار و دوام نعمات در بهشت است و در آیات جهنم علاوه بر استقرار عذاب‌ها با صفت قلقه و شدت خود بر شدت و سختی آن‌ها نیز تأکید می‌کند.

- دلالت آوایی حرف هاء با وجه به صفت مهموسه آن، که بر نوعی ابهام تأکید می‌کند، در هر مجموعه از آیات بر واضح نبودن کامل نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنمی در این دنیا دلالت دارد.

کارکرد آوایی حروف در فواصل آیات بهشتی و جهنمی با توجه به دلالت آوایی هر حرف قابل توجیه است و حتی قبل از اینکه انسان به معانی مراجعه کند، از طریق تأثیر آهنگ بر نفس آدمی، مفاهیم آیات را در می‌یابد. بنابراین، هر حرف با دلالت آوایی خود شناخته می‌شود و باید برای دریافت عمیق مفاهیم به دلالت آوایی هر حرف و تأثیری که دارد، توجه کرد.

- قرآن کریم  
 - آلوسی، محمود، (۱۴۱۵): روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیہ، بیروت: دار الکتب العلمیہ، اول.
- انیس، ابراہیم، (۱۳۸۴): آواشناسی زبان عربی، ترجمہ: ابوالفضل علامی میانجی و صفر سفیدرو، قم: انتشارات اسوہ، دوم.
- ابن عاشور، محمد بن طاہر، (بی تا): التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسہ التاریخ، اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴): لسان العرب، بیروت: دار صادر، سوم.
- باقلانی، ابوبکر، (۱۹۶۳): اعجاز القرآن، تحقیق: احمد صقر، مصر: دارالمعارف.
- حسناوی، محمد، (۲۰۰۰): الفاصله فی القرآن، عمان: دار عمار، دوم.
- راغب اصفہانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲): مفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالقم، اول.
- زرکشی، محمد بن بہادر، (۱۳۷۶): البرہان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراہیم، مصر: دار احیاء الکتب العربیہ، اول۔ سلمانپور، محمدجواد و محمد صبوزادہ فرد، (۱۳۹۵): موسیقی قرآن، تہران: اسوہ، اول.
- سیدی، حسین، (۱۳۹۰): زیبایی شناسی آیات قرآن کریم، قم: پژوهشگاہ علوم و فرہنگ اسلامی، اول.
- طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷): المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعہ مدرسین حوزہ، پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲): مجمع البیان، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تہران: ناصرخسرو.
- عباس، حسن، (۱۹۹۸): خصائص الحروف العربیہ و معانیہا، بی جا: منشورات اتحاد الکتب العرب.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱): قاموس قرآن، تہران: دار الکتب الاسلامیہ، ششم.
- قطب، سید بن ابراہیم شاذلی، (۱۴۱۲): فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ہفدہم.
- \_\_\_\_\_، (بی تا): فی ظلال القرآن، ترجمہ: مصطفیٰ خرم دل، بی جا: بی نا.
- مدرس، سیدمحمدتقی، (۱۴۱۹): من ہدی القرآن، تہران: دارمحبی الحسین، اول.
- مرسی، کمال الدین عبدالغنی، «(۱۹۹۹): فواصل الايات القرآنیہ، اسکندریہ: دانشگاه الاسکندریہ، اول.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰): التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیہ، سوم۔ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴): تفسیر نمونہ، تہران: دارالکتب الاسلامیہ، اول.
- میسہ، محمد الصغیر، (۲۰۱۲): «جماليات الايقاع الصوتی فی القرآن الکریم»، پایان نامہ کارشناسی ارشد، دانشگاه محمد خضیرہ بسکرہ، دانشکدہ الاداب اللغات.
- نیربانی، عبد البدیع، (۲۰۰۶): الجوانب الصوتیہ فی کتب الاحتجاج للقراءات، دمشق: دار الغوثانی، اول.

پژوهشگاہ علوم انسانی و مطالعات قرآنی  
 پرتال جامع علوم انسانی

سال دوم

شماره دوم

پیاپی: ۴

بہار و تابستان

۱۳۹۸